

## تحلیل وضعیت نخست شهری در سطوح استانی (سیستان و بلوچستان) و ناحیه‌ای (زابل)

محمدتقی رهنمایی<sup>۱</sup>، رحمت ا... فرهودی<sup>۲</sup>، محمدحسین ضیاء توانا<sup>۳</sup> و غلامعلی خمر<sup>۴</sup>

### چکیده

تحلیل‌های نخست شهری در ایران و بیشتر کشورهای دنیا اغلب منحصر به مراکز حکومتی (پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ دیگر) بوده و فرایندهای تحلیل از بالا، سرنوشت برنامه ریزی از بالا (متمرکز) را در پی دارد که از مشکلات مبتلا به ایران نیز می‌باشد. این شیوه تحلیل نادرست است چرا که فقط بخشی از سطوح موردنیاز را مورد بررسی قرار می‌دهد و مطمئناً می‌تواند به کشف علت که می‌تواند در سطوح دیگر (میانی و پایین) شهرها باشد موفقیتی بدست آورد.

بر همین اساس در این مقاله سعی کرده‌ایم سطوح پایین شهری را برای اولین بار در قالب نخست شهری مورد بررسی قرار دهیم. فرضیه تحقیق بر این پایه استوار است که: نظام شهری استان سیستان و بلوچستان و شهرستان زابل به سمت عدم تمرکز و از هم‌گسیختگی شهری می‌رود.

با استفاده از روش تحقیق کمی و شاخصهای نخست شهری، تمرکز و عدم تمرکز اثبات گردید که در این سطوح همانند و مشابه نظام شهری ایران عدم تمرکز و از هم‌گسیختگی شهری

---

۱. دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران.

۲. استادیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران.

۳. دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی.

۴. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران.

وجود دارد البته با شدت بیشتر مثلاً در سرشماری سال ۱۳۸۵ تهران حدود ۳/۲ برابر دومین کلان شهر یعنی مشهد (۷۷۰۵۰۳۶ - ۲۴۱۰۸۰۰) در استان سیستان و بلوچستان، زاهدان ۴/۲ برابر شهر دوم زابل (۵۶۷۴۴۹ - ۱۳۶۹۵۶) در ناحیه زابل، شهر زابل حدود ۱۲ برابر شهر دوم ناحیه یعنی شهر زهک (۱۳۶۹۵۶ - ۱۱۴۰۱) بوده است.

به نظر می‌رسد به کارگیری راهبردهای توسعه شهری به منظور مهار و آمایش رشد تهران و تقویت نقش و جایگاه شهرهای میانی و کوچک، ایجاد قطب‌های توسعه در مناطق محروم برای جذب صنایع بزرگ به آنها، ارایه معافیت‌های مالیاتی برای صنایعی که در سایر استان‌های کشور ایجاد شوند تقویت منظومه‌های روستایی و اقتصاد کشاورزی می‌تواند راهکارهای مناسب برای اصلاح نظام شهری در همه سطوح باشد.

کلیدواژگان: نخست شهری، شاخص تمرکز، شاخص عدم تمرکز، نظام شهری.

## مقدمه

در خیلی از کشورهای جهان سوم اکثر فعالیت‌های مدرن در مقیاس وسیع در یک شهر عمده منفرد که بر همه شهرهای دیگر غلبه دارد، قرار گرفته است. بنابراین مونته ویدئو<sup>۱</sup> جمعیتی هفده برابر جمعیت سالتو<sup>۲</sup> دومین شهر دارد و بانکوک جمعیتی پنجاه برابر جمعیت دومین شهر تایلند چیانگ مایی<sup>۳</sup> دارد (Pacione, 2009, 462).

رابطه بین نخست شهری و توسعه اقتصادی ناتمام است. بعضی از محققین اعتقاد دارند که نخست شهری در جهان سوم جنبه انگلی دارند و توسعه را به تاخیر می‌اندازند. دلایل آنها در زیر ذکر شده است:

(الف) هزینه حمایت از یک شهر بزرگ، بخصوص در یک اقتصاد متکی به کشاورزی منابع را از فعالیت‌های توسعه‌ای در خود فرو می‌برد.

(ب) قدرت شهر اول برای جذب مهاجرین از مناطق روستائی که خیلی از آنها بیکار باقی می‌مانند و یا نیمه اشتغالی دارند، تشکیل جمعیت غیرتولیدی و یک هزینه برای اقتصاد ملی می‌کند.

(ج) تمرکز سرمایه‌گذاری دولتی در نخست شهر سبب کاهش دورنمای رشد سایر قسمت‌های کشوری شود.

(د) کانون سیاست ملی و قدرت اقتصادی در یک نخست شهر ایجاد کننده تقسیمات اجتماعی عمده بین مناطق شهری و روستائی می‌باشد.

(و) همچنانکه شهرها در ماورای یک اندازه معین رشد می‌کنند ضد صرفه‌های ناشی از مقیاس ممکن است پیش آید که شامل هزینه‌های افزایش یافته زمین و خدمات، خطوط حمل و نقل گسترش یافته و مشکلات محیط زیستی مانند تراکم و آلودگی می‌شود.

یک دیدگاه جایگزین این است که نخست شهری فراهم کننده یک محیط لازم برای

- 
1. Montevideo
  2. salto
  3. Chiang Mai

توسعه است. برای رقابت موفقیت آمیز در بازار جهانی، کشورهای جهان سوم بایستی الگوهای مدیریت، بازاریابی و مالی و سرمایه‌گذاری را تکامل دهند. فقط در نخست شهرها زیرساخت‌های لازم همراه با نیروی کار ماهر می‌تواند یافت شود. نخست شهری همچنین ارائه دهنده اقتصادهای انباشتگی است که جاذب شرکت‌های اقتصادی می‌شود و چرخه رشد را شروع می‌نماید.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که اغلب کشورهای در حال توسعه از روند توسعه فضایی سکونتگاه‌ها و نحوه توزیع منطقه‌ای جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی خود ناراضی هستند (Mathur, 1997, 65). به ویژه، تمرکز بیش از حد فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جمعیت در بزرگترین شهر این کشورها (نخست شهرها)، نه تنها باعث جذب بخش عمده‌ای از پتانسیل‌های توسعه‌ای این کشورها به این شهرها شده است، بلکه خود این نخست شهرها با مسائل و مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند (Sawers, 1989, 841). به طوری که متوسط شاخص نخست شهری (شاخص دو شهر) برای کل کشورهای جهان حدود ۵/۲ است (Pumain, 2003, 7). علیرغم این، تعداد اندکی از این کشورها اقداماتی را برای مقابله با پدیده نخست شهری و تبعات سوء آن به کار گرفته‌اند. ایران یکی از این معدود کشورها است. برای جلوگیری از رشد شتابان و فزاینده شهر تهران سیاست‌ها و اقدامات متعددی به کار گرفته شده است. اما آیا سطوح دیگر شهری همچون استانی و ناحیه‌ای هم از این سیاست بهره برده‌اند.

سوالی که این مقاله برای یافتن پاسخ به آن است، این است که اجرای این سیاست‌ها تا چه اندازه بر نظام شهری استانی و ناحیه‌ای تاثیر گذاشته است؟ به عبارتی دیگر آیا نخست شهری که تبلور تمرکز جمعیت و فعالیت در نخست شهرها است، در طی چهار دهه گذشته در استان سیستان و بلوچستان و ناحیه سیستان کاهش داشته یا افزایش داشته است. بنابراین، هدف اصلی این مقاله بررسی و تحلیل پدیده نخست شهری و تحولات آن در طول چهار دهه ۱۳۴۵-۱۳۸۵ در دو سطح استانی و ناحیه‌ای است.

برای دستیابی به این هدف، ابتدا با مروری بر متون نظریات مرتبط، مفهوم و نظریه‌های نخست شهری ارائه شده و سپس شاخص‌هایی که برای بررسی میزان نخست شهری به کار گرفته می‌شوند، معرفی می‌شوند. در بخش بعدی با بکارگیری شاخص‌های سنجش میزان نخست شهری، تحولات میزان نخست شهری در کشور در طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش بعدی و بر اساس تغییرات این شاخص‌ها نتیجه‌گیری مطالعه ارائه می‌شود.

### مبانی نظریه‌ای تحقیق

قانون نخست شهری اشاره به موقعیتی می‌کند که در آن یک شهر به تنهایی تعداد زیاد نامتناسبی از جمعیت یک کشور را در خود جای می‌دهد در بعضی از مواقع، توزیع ابعادی شهر اصلی محصول نفوذ بیرونی یا خارجی روی الگوی سکونت است. بطور مثال در خیلی از کشورهای امروزی جهان سوم، شهرهای اصلی در اثر مداخله یک نیروی استعماری رشد کرده‌اند. بانکوک<sup>۱</sup> یک چنین مثالی است. جفرسون<sup>۲</sup> (۱۹۳۹) استدلال نمود که در مراحل اولیه توسعه شهری یک کشور، شهری که بصورت بزرگتر از بقیه ظهور می‌کند انگیزه‌ای برای رشد خودکفایش بوجود می‌آورد که آن را قادر به این می‌کند که در طول زمان فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی را به خود جلب کنند تا آن اندازه که بر سیستم شهری ملی غالب شود. شهرهای پایتختی مانند پاریس یا وین این موقعیت را پیدا کرده‌اند. به نظر او شهر نخست (بزرگترین شهر) در نظام شهری کشورهای کمتر توسعه یافته، در مقایسه با نظام شهری کشورهای توسعه یافته، به طور نسبی بیش از حد بزرگتر از دومین و سومین شهر این کشورها است. او مدعی شد که اغلب کشورهای در حال توسعه و برخی از کشورهای توسعه یافته دارای نظام‌های نخست شهری هستند. بدین ترتیب که نخست شهرهای موجود در نظام شهری این کشورها، کانون‌های تمرکز ملی بوده و بر نظام شهری

1. Bangkok
2. Jefferson

این کشورها مسلط هستند (Jefferson, 1939, ۲۲۶-۲۳۲). معمولاً، وقتی که نسبت جمعیت بزرگترین شهر به دومین شهر از عدد ۲ بیشتر باشد، اندازه شهر را نخست شهری می‌گویند. برخی از محققین نخست شهری را ماکروسفالی تعبیر کرده و برخی دیگر از بزرگی سر نخست شهر بر جثه نحیف کشورها سخن گفته‌اند (توفیق، ۱۳۷۶، ۲).

اما بلافاصله بعد از نظریه جفرسون<sup>۱</sup> در مورد نخست شهری، زیپف<sup>۲</sup> (۱۹۴۱) با اریه قاعده رتبه - اندازه خود، نظرها را متوجه کل نظام شهری کرد. او مدعی شد که در یک «نظام همگن اجتماعی - اقتصادی» است که قاعده رتبه - اندازه صدق می‌کند و این وقتی است که نظام شهری یک کشور به حالت تعادل رسیده باشد.

برخی از محققین معتقدند که نظریه مناسبی برای تبیین نخست شهری وجود ندارد لیکن اغلب آنها اتفاق نظر دارند که نخست شهری عمدتاً در کشورهای در حال توسعه و یا کشورهای صنعتی کوچک یافت می‌شود.

نظریه پردازان همچنین در مورد مکانیزم‌هایی که باعث به وجود آمدن و شکل‌گیری یک شهر بسیار بزرگ (نخست شهر) در میان شهرهای کوچک شده است، اختلاف نظر دارند. برخی از محققین شکل‌گیری نخست شهرها را حاصل و اثر زیر ساخت‌های استعماری که در پایتخت‌های مستعمره متمرکز بودند، می‌دانند. برخی دیگر به زیرساخت‌های مدرن یا صنعتی که در یک شهر، و به هزینه دیگر شهرها، ساخته می‌شوند، اشاره می‌کنند. نظریه‌پردازان مکتب وابستگی به ارتباط بین مراکز صادرات (پایتخت‌های ملی و یا بنادر) و جهان بیرونی که منجر به تجمع و تمرکز زیر ساخت‌های صادرات در یک شهر خاص شده است، اشاره می‌کنند. نکته‌ای که در همه این نظریه‌ها نهفته است این است که رشد زیر ساخت‌های شهری باعث رشد جمعیت شهری می‌شود (زبردست، ۱۳۸۲).

- 
1. Jefferson
  2. zipf

بورن<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۵ در کتابی تحت عنوان «نظام‌های شهری»<sup>۲</sup> سه سطح کارکردی مختلف نظام شهری در اقتصادهای پیشرفته غربی را با الهام از نظام شهری کانادا، تشخیص داد. اول: نظام شهری در سطح ملی که در آن مراکز مادرشهری مسلط هستند.

دوم: سطح نظام شهری منطقه‌ای، که در درون نظام شهری تلقی می‌شود، شباهت زیادی به نظام ملی دارد.

سوم: در درون نظام‌های شهری فرعی، نظام‌های محلی یا نظام‌های شهری روزانه وجود دارند که ضمن فراهم کردن فضای زندگی برای ساکنان شهری نفوذ خود را به خارج از شهر توسعه داده و نواحی مجاور خود را نیز تجدید سازمان می‌دهند (Bourne, 1975, 12).

در هلند «وان در لین»<sup>۳</sup> سه نوع شبکه سلسله مراتب شهری را در تطابق با سطح توسعه یافتگی فضا بدست آورد.

اول: مدل سنتی سلسله مراتب شهری است که در آن همه جریان‌ها به سوی شهرهای مرکزی هدایت می‌شوند.

دوم: نشان دهنده فقدان الگوی سلسله مراتب در سطح پایین‌تر شبکه شهری است.

سوم: در این نوع علاوه بر وجود نظام شهری نظام چندگرهی محلی، ترکیبی از سیستم شهری روزانه در سطح منطقه‌ای نیز به وجود می‌آید (Van Der Laan, 1998, 244).

در امریکا بری<sup>۴</sup> به سال ۱۹۵۴ در کتابی تحت عنوان شهرها، نظام درون نظام شهرها مطالعه‌ای را در زمینه نظام شهری (در ایالت آیوا) انجام داده و متوجه دو مطلب مهم شده است که الگوی سکونتگاه‌های این ایالت به صورت پلکانی است و فرایند دیگری که اتفاق افتاده، فرایند انقباض در شبکه شهری است. علت آن بروز تکنولوژی ارتباطات تلفنی و الکترونیکی است که

- 
1. Bourne
  2. urban systems
  3. Van Der Laan
  4. Brry

شهرهای شبکه شهری را هر چه بیشتر به یکدیگر نزدیکتر کرده است. بدین ترتیب نظام شهری از نقطه نظر فضا - زمان انقباض یافته‌اند (Short, 1996, 65).

ویژگی خیلی از سیستم‌های شهری ملی در جهان سوم توسعه نیافتگی رده واسط سلسله مراتب سکونتگاهی است. جانسون (۱۹۷۰) نشان داد که چگونه ملت‌های اروپا دارای تقریباً ۱۰ برابر مکان‌های مرکزی بیشتر (شهرهای کوچک با جمعیت بیشتر از ۲۵۰۰ نفر) در هر دهکده نسبت به کشورهای خاورمیانه‌ای هستند. حاصل استدلال در اینکه یک الگوی یکنواخت‌تر توسعه در جهان سوم نیازمند ترویج سکونت‌گاه‌های رده میانی یا واسط است بوسیله نویسندگان بعدی مانند راندنلی (۱۹۸۳) مطرح شده است. این پیشنهاد همچنین به نظریه جانبداری شهری که مدعی است که شهرهای عمده کشورهای جهان سوم یک مقدار نامناسب از منابع ملی را دریافت نموده‌اند و اینکه درجه بالاتری از عدالت قلمروئی بایستی به اقتصاد ملی و خط‌مشی توسعه شهری ملحق شود مرتبط است. این شیوه برخورد در کشورهای سوسیالیست جهان سومی مانند چین، کوبا و تانزانیا بکار گرفته شده است (Pacione, 2009, 134).

موتلو<sup>۱</sup> مطالعاتی که در زمینه نخست شهری انجام شده را مرور کرده و بر اساس یافته‌های این مطالعات عواملی که با نخست شهری ارتباط مثبت و یا منفی دارند را شناسایی کرده است. برخی از این مطالعات یافته‌های گاه متضادی داشته‌اند. الشخص (۱۹۷۲) ارتباط بین درآمد سرانه شاخص نخست شهری را به شکل «یو وارونه» می‌داند، در صورتیکه مطالعات روزن و رزنیک (۱۹۸۰) نشان می‌دهد که این دو شاخص ارتباط منفی با یکدیگر دارند. این در حالی است که مطالعات بری، شپارد، مهتا و دکولا نشان می‌دهند که هیچ ارتباط معنی‌داری بین درآمد سرانه و میزان نخست شهری وجود ندارد (به نقل از ۶۱۳، ۱۹۸۹، Mutlu).

موتلو خود به این نتیجه می‌رسد که نخست شهری توسط حاکمیت و دولت ملی کشورها که عمدتاً در نخست شهرها مستقر هستند، تشویق می‌شود. وجود پتانسیل‌های مدیریتی

---

1. Mutlu



کارآمد مورد نیاز دولت‌های ملی در این شهرها، یکی از عواملی است که باعث این تشویق می‌شود. میزان شهرنشینی در یک کشور و همچنین میزانی که اقتصاد کشورها به کشاورزی و یا صنایع کشت وابسته هستند نیز بر میزان نخست شهری تأثیرگذار است. همچنین، هرچه تراکم جمعیتی کشورها کمتر بوده و نرخ رشد جمعیت آنها پایین‌تر باشد، و هر چه کشورها از نظر قومیتی تنوع کمتری داشته باشند، احتمال بروز پدیده نخست شهری در این کشورها بیشتر است (همان، ۶۳۷).

لی<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در بررسی ارتباط بین تغییرات تمرکز شهری و تحولات صنعتی در کره جنوبی به این نتیجه می‌رسد که در مراحل اولیه توسعه، صنایع کارخانه‌ای ابتدا در نخست شهر متمرکز شده و بعد از مدتی این صنایع به سایر نقاط کشور پراکنده می‌شوند (به نقل از Henderson، ۲۰۰۴، ۱۷).

یکی از محققینی که شاید بیشترین مطالعه را در زمینه نخست شهری انجام داده است، هندرسون است. هندرسون در مطالعه‌ای به این نتیجه می‌رسد که نخست شهری که معمولاً با هزینه‌های بسیار بالای حمل و نقل و مسکن در نخست شهرها همراه است با جذب منابعی که در غیر اینصورت به دیگر شهرها و برای بهبود کیفیت زندگی آنها جذب می‌شد، کل نظام شهری کشورها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. در نتیجه کیفیت زندگی در شهرهای دیگر این کشورها به شدت رو به زوال می‌رود (Henderson، ۲۰۰۲، a، ۱۰۴). هندرسون در مطالعه دیگری با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی چنین نظر می‌دهد که بسته به شرایط و ویژگیهای کشورها، میزان بهینه نخست شهری وجود دارد که نخست شهری کمتر و یا بیشتر از آن باعث زیان‌های قابل توجهی از نظر رشد اقتصادی می‌شود. او میانگین شاخص نخست شهری (نسبت جمعیت شهراول به کل جمعیت شهری کشور) در سطح بین‌المللی را ۳۱٪ گزارش کرده و در مطالعات تطبیقی از این میانگین به عنوان «میزان نخست شهری مورد انتظار» استفاده می‌کند (Henderson، ۱۹۹۹).

---

1. Lee

دیویس و هندرسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که اگر نخست شهر پایتخت کشوری باشد، اندازه آن حدود ۲۰ درصد بزرگ‌تر از اندازه نرمال آن خواهد بود. آنها همچنین نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل و نقل در مناطق پیرامونی باعث کاهش میزان نخست شهری می‌شود. به این ترتیب که با یک انحراف معیار افزایش در شاخص «نسبت طول راه‌ها به مساحت کشورها (به کیلومتر مربع)» میزان نخست شهری به اندازه ۱۰ درصد کاهش پیدا می‌کند (Davis and Henderson, ۲۰۰۳, ۱۵).

هندرسون در جای دیگری پیشنهاد می‌کند که دولت‌ها با بکارگیری سیاست‌هایی از جمله آزادسازی و تمرکززدایی بازارهای مالی و صدور مجوزهای مختلف، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بین‌شهری، واگذاری اختیارات به نهادهای منطقه‌ای و محلی از جمله استقلال مالی به آنها، می‌توانند از تمرکز بیش از حد در نخست شهرها جلوگیری نمایند (Henderson, ۲۰۰۲ b-۱۰۵-۱۰۹).

شکویی اعتقاد دارد که نقش دولت‌ها در فضا سازی جغرافیایی، از عوامل تعیین‌کننده است و در تمام زمینه‌های جغرافیایی به ویژه جغرافیای شهری، بر آن تاکید می‌شود (شکویی، ۱۳۷۳، ۳۱).

در مورد وضعیت نخست شهری در ایران آقای دکتر زبردست در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تحولات نخست شهری در ایران (زبردست، اسفندیار (۱۳۸۵)، بررسی تحولات نخست شهری در ایران، مجله شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران) پرداخته‌اند و اثبات کرده‌اند که نظام شهری ایران دچار عدم تمرکز واز هم‌گسیختگی است.

از مروری مجدد بر نظریه‌های مطرح شده مشخص می‌شود که برخی از این نظریه‌ها به تبیین پدیده نخست شهری، برخی به آثار و تبعات آن بر نظام شهری کشورها، و برخی دیگر به راهکارهای مقابله با نخست شهری و کاهش میزان آن پرداخته‌اند.

---

1. Henderson and Davis

### فرضیه و روش‌های بررسی میزان نخست شهری

این مقاله در صدد اثبات یا رد این فرضیه است که: نظام شهری استان سیستان و بلوچستان و شهرستان زابل به سمت عدم تمرکز و گسیختگی در حرکت است. روش تحقیقی که برای ارزیابی فرضیه بالا در نظر گرفته شده، کمی است که با استفاده از شاخص‌ها و معیارهای تمرکز و عدم تمرکز بدان پرداخته شده است. مروری بر روش‌ها و معیارهای بررسی میزان نخست شهری نشان می‌دهد که عموماً از ۳ طریق به کارگیری شاخص‌های نخست شهری، به کارگیری شاخص‌های عدم تمرکز و مقایسه توزیع رتبه اندازه شهری کشورها با توزیع رتبه اندازه نظری (پیشنهادی زیپف)، میزان نخست شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته برای تعیین نخست شهری، عدم تمرکز و توزیع رتبه اندازه شاخص‌های دیگری همچون ضریب جینی، مدل حل اختلاف طبقه‌ای، منحنی لورنز و... وجود دارد و از آنجایی که با مدل‌هایی ارائه شده در این مقاله نتایج مشابهی را می‌دهند برای جلوگیری از اطاله کلام از بیان آنها خودداری گردیده است. در این مقاله از هر سه طریق و روش برای بررسی میزان و تحولات نخست شهری در استان و ناحیه استفاده شده است.

### شاخص‌های نخست شهری

معمولاً از شاخص‌های محدودی برای تعیین میزان نخست شهری استفاده می‌شود. در این مقاله سعی می‌شود از شاخص‌های بیشتری برای بررسی میزان نخست شهری در سطوح استانی و ناحیه‌ای شهری استفاده شود که در این قسمت به تعریف آنها پرداخته می‌شود:

## شاخص نخست شهری

شاخص نخست شهر (UP<sub>1</sub>) نسبت جمعیت بزرگ ترین شهر P<sub>1</sub> به کل جمعیت شهری (P) کشور و یا منطقه‌ای که شاخص نخست شهری برای آن محاسبه می‌شود، است<sup>۱</sup>.

## شاخص دو شهر

این شاخص مرتبط با توزیع رتبه - اندازه شهری است و شاخصی نسبی است، بدین ترتیب که از طریق محاسبه نسبت جمعیت شهر نخست به دومین شهر به دست می‌آید<sup>۲</sup>.

## شاخص چهار شهر یا شاخص گینز برگ

شاخص چهار شهر (FCI)، همانند شاخص دو شهر مبتنی بر توزیع رتبه - اندازه شهری است و نسبت جمعیت شهر نخست به مجموع جمعیت شهرهای رتبه دوم، سوم و چهارم را شامل می‌شود. این شاخص گینز برگ نیز معروف است<sup>۳</sup> (Smith, 1995).

## شاخص چهار شهر مهتا

برای تعیین میزان نخست شهری، مهتا شاخص چهار شهر پیشنهادی گینز برگ را با اضافه کردن جمعیت نخست شهر (P<sub>1</sub>) به مخرج کسر شاخص فوق اصلاح و آن را شاخص چهار

۱.  $UPI = \frac{P_1}{P}$  هر چه مقدار عددی این شاخص بیشتر باشد، بزرگ‌ترین شهر دارای نخست شهری بیشتری است.

۲.  $CI = \frac{P_1}{P_2}$  این شاخص نیز هر چه بزرگ‌تر باشد، بزرگ‌ترین شهر دارای نخست شهری بیشتری است.

3.  $\frac{P_1}{P_2 + P_3 + P_4} = \text{Ginsberg's Index}$

شهر نامید. شاخص چهار شهر مهتا بنابراین از تقسیم جمعیت نخست شهر به مجموع جمعیت شهرهای رتبه اول تا رتبه چهارم به دست می‌آید<sup>۱</sup> (Gilbert et al, 1989, 198).

### شاخص تمرکز هر فیندال

با توجه به اینکه شاخص‌های چهارگانه قبلی میزان نخست شهری و یا تسلط شهر نخست بر نظام شهری را بررسی می‌کردند، شاخصی نیز لازم است تا میزان تمرکز در کل نظام شهری و اینکه آیا در مقاطع مختلف زمانی از شدت تمرکز کاسته شده و نظام شهری به سمت تعادل نسبی پیش می‌رود یا نه را بررسی کند. برای اینکار از شاخص هر فیندال استفاده می‌شود<sup>۲</sup>.

### شاخص موماو و الوصابی

این شاخص از تقسیم مجموع جمعیت‌های دو شهر اول و دوم به مجموع جمعیت‌های دو شهر سوم و چهارم به دست می‌آید<sup>۳</sup>. (Moomba and Alwosabi, 2004, 158).

$$۱. M = \frac{P_1}{P_1 + P_2 + P_3 + P_4}$$

هر قدر M به عدد یک نزدیکتر باشد به معنی تمرکزگرایی و وجود پدیده نخست شهری در آن است.

به عبارتی دیگر ریچاردسون با بررسی قاعده رتبه - اندازه شهری و شاخص چهار شهر مهتا برای تعیین میزان نخست شهری دامنه‌ای از این شاخص را به این شرح مطرح کرده است: اگر مقدار عددی شاخص چهار شهر بین ۰/۶۵ و ۱ باشد، نخست شهری بیشترین (فوق برتری)، بین ۰/۵۴ تا ۰/۶۵ نخست شهری بیشتر (برتری)، بین ۰/۴۱ تا ۰/۵۴ نخست شهری مطلوب و اگر مقدار عددی آن کمتر از ۰/۴۱ باشد، نخست شهری کمترین است

$$۲. H_i = \left( \frac{P_i}{P} \right)$$

که در آن  $P_i$  جمعیت شهر  $i$  و  $P$  کل جمعیت شهری منطقه مورد مطالعه است.

$$۳. = \frac{P_1 + P_2}{P_3 + P_4}$$

شاخص موماو و الوصابی هر چه مقدار عددی این شاخص بزرگتر باشد، نظام شهری مورد نظر دارای نخست شهری بیشتری است.

### شاخص‌های عدم تمرکز

برای بررسی اینکه آیا اثرات سیاست‌های اتخاذ شده منجر به ایجاد تعادل و یا عدم تمرکز فضایی شده‌اند اغلب از دو شاخص آنتروپی و شاخص عدم تمرکز هندرسون استفاده می‌شود.

### شاخص آنتروپی

آنتروپی یک معیار ناپارامتری برای نشان دادن تعادل در یک توزیع است و هر چه میزان این شاخص بیشتر شود، توزیع بسوی تعادل در حرکت است.<sup>۱</sup>

### شاخص عدم تمرکز هندرسون

شاخص عدم تمرکز هندرسون که از فرمول زیر قابل محاسبه است، نشان‌دهنده کاهش تمرکز در نظام شهری است<sup>۲</sup> (Deichmann and Henderson, 15, 2001).

### مقایسه توزیع رتبه اندازه

اوترباخ اولین فردی بود که با مطالعه سکونتگاههای شهری منطقه غرب آلمان و پی‌بردن به رابطه معکوس بین جمعیت شهر و رتبه آن در نظام شهری، اصطلاح «رتبه - اندازه» را مطرح نمود.<sup>۳</sup> (بهفروز، ۱۳۷۱، ۲۸)

<sup>۱</sup>  $H = - \sum_{i=1}^n P_i \times \ln P_i$  که در آن  $P_i$  نسبت جمعیت شهر  $i$  به کل جمعیت شهری است.

<sup>۲</sup>  $UD = \left[ \sum_{i=1}^n \left( \frac{P_i}{P} \right)^2 \right]^{-1}$  که در آن  $P_i$  جمعیت شهر  $i$  و  $p$  کل جمعیت شهری و  $n$  تعداد شهرها در نظام شهری است.

<sup>۳</sup>  $P_1 = 2P_2 = 3P_3 = 4P_4 = \dots = NP_n$  هر قدر  $M$  به عدد یک نزدیکتر باشد به معنی تمرکزگرایی و وجود پدیده نخست شهری در آن است.

بررسی وضعیت نخست شهری در استان سیستان و بلوچستان و ناحیه سیستان برای بررسی میزان نخست شهری در استان سیستان و بلوچستان در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ از شاخص‌های نخست شهری که در بخش قبلی معرفی گردید، استفاده گردید. نتایج بررسی در نمودارهای ۱ و ۲ گویای نکات زیر هستند:

جدول ۱: بررسی میزان نخست شهری در استان سیستان و بلوچستان

شاخص	سال			
	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵
شاخص نخست شهری	۰/۵۵۸	۰/۵۹۶	۰/۹۵	۱/۱۷
شاخص دو شهر	۴/۰۳۶	۴/۱۵۸	۳۰/۱	۳۳/۲
شاخص چهار شهر	۱۱/۹۷	۱۱/۹۷	۱۳/۲۵	۱۴/۱
شاخص چهار شهر مهتا	۱۰/۶۴۲	۱۰/۶۶۴	۱۰/۱	۱۰/۷۵
شاخص تمرکز هر فیندال	۰/۳۵۴	۰/۳۹۴	۰/۹۱	۰/۹۴
شاخص موماو و الوصابی	۱۴/۰۴	۱۴/۶۷	۲۰/۲	۲۱/۵

منبع: محاسبات نگارندگان.

جدول ۲: بررسی میزان نخست شهری در ناحیه سیستان

شاخص	سال			
	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵
شاخص نخست شهری	۰/۸۹۰	۰/۹۰۴	۰/۹۱۸	۱/۱۳
شاخص دو شهر	۱۸/۴۳	۲۷/۲۸	۳۱/۰۶	۳۴/۵
شاخص چهار شهر	۹/۵۰۹	۱۱/۱۶۰	۱۲/۶۳۱	۱۳/۷۳
شاخص چهار شهر مهتا	۰/۹۰۴	۰/۹۱۷	۰/۹۲۱	۰/۹۸۲
شاخص تمرکز هر فیندال	۰/۷۹۷	۰/۸۲۱	۰/۸۴۶	۰/۹۲۴
شاخص موماو و الوصابی	۲۰/۷۰	۱۹/۵۸۰	۲۱/۹۷۲	۲۲/۵۶

منبع: محاسبات نگارندگان.

بررسی مقادیر عددی شاخص چهار شهر مهتا و مقایسه آن با مقادیر پیشنهادی ریچارسون برای سنجش شدت نخست شهری نشان می‌دهد که از میزان نخست شهری که در سال ۱۳۵۵ در حد «فوق برتری» بوده نیز از سال ۱۳۵۵ به بعد کاسته شده و به حالت «برتری» در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵ تنزل یافته است. به عبارت دیگر، شدت نخست شهری تا سال ۱۳۵۵ افزایش یافته و سپس از سال ۱۳۶۵ به بعد کاهش یافته است. علت اصلی افزایش زیاد میزان نخست شهری (فوق برتری) در سال ۱۳۵۵ خشکسالی سال ۱۳۴۹ سیستان و مهاجرت خیل عظیم مهاجرین به شهرهای بزرگ استان و دیگر مناطق ایران (گرگان و سرخس) بوده است البته در سالهای بعد هم این روند برتری را داشته است و تنها نسبت به دوره قبلی از شدت آن کاسته شده است. شاخص‌های نخست شهری در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ حرکت به سوی تعادل در نظام شهری کشور را نشان می‌دهند.

جدول ۳: شاخص‌های عدم تمرکز استان سیستان و بلوچستان ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
شاخص آنترویی	۴/۱	۴/۲۲	۴/۳۵	۴/۴۱
شاخص عدم تمرکز هندرسون	۱/۷۰	۲/۰۱	۲/۵۳	۲/۸۲

منبع: محاسبات نگارندگان.

نتایج به دست آمده از دو شاخص نشان‌دهنده عدم تمرکز، یعنی شاخص آنترویی و شاخص عدم تمرکز هندرسون، که در جداول ۳ و ۴ نمودارها ارائه شده‌اند، نشان می‌دهند که:



جدول ۴: شاخص‌های عدم تمرکز در ناحیه سیستان ۸۵-۱۳۵۵

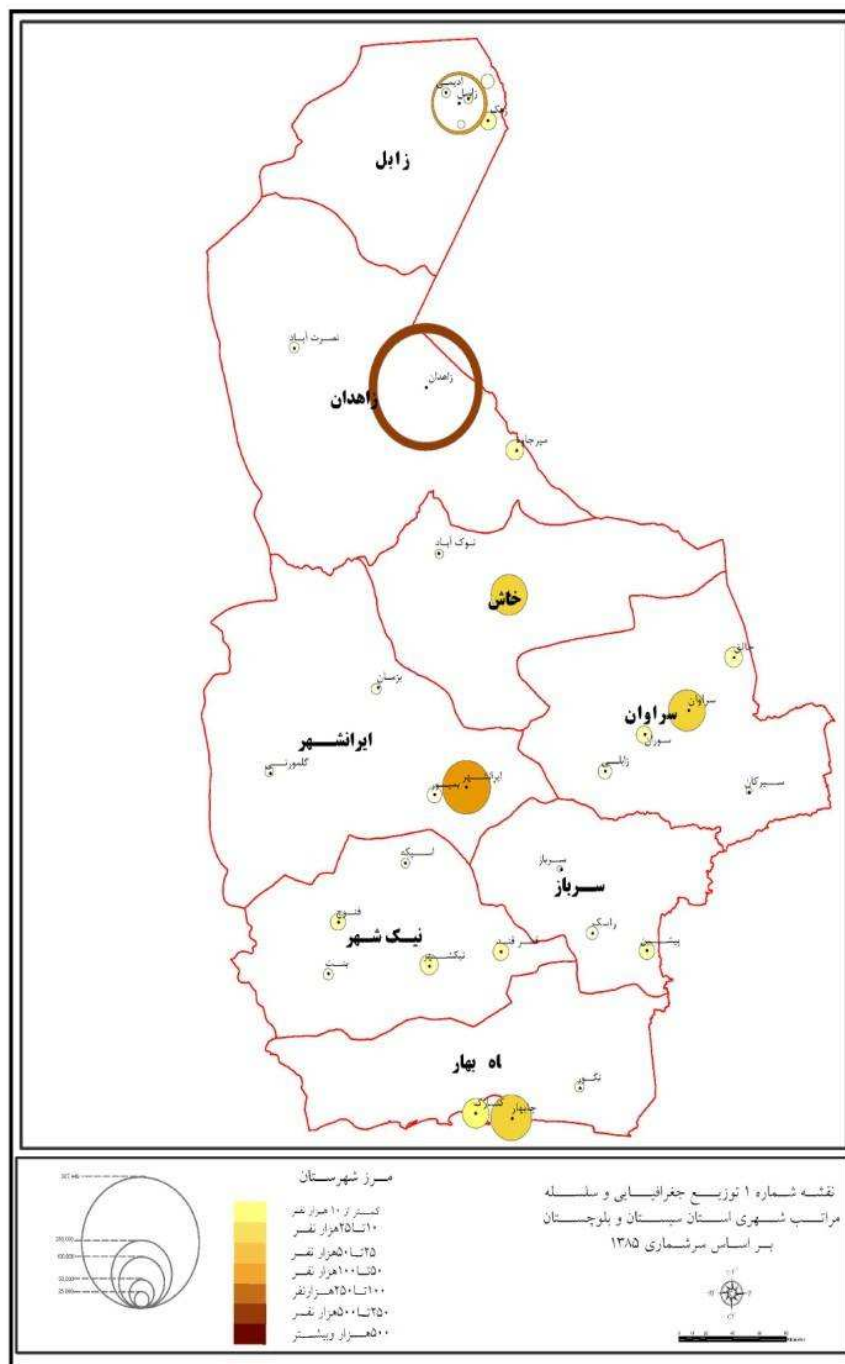
سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
شاخص				
شاخص آنتروپی	۴/۲	۴/۳۵	۴/۷۰	۴/۹۶
شاخص عدم تمرکز هندرسون	۱/۰۲	۱/۱۸۱	۱/۲۱۷	۱/۲۵۴

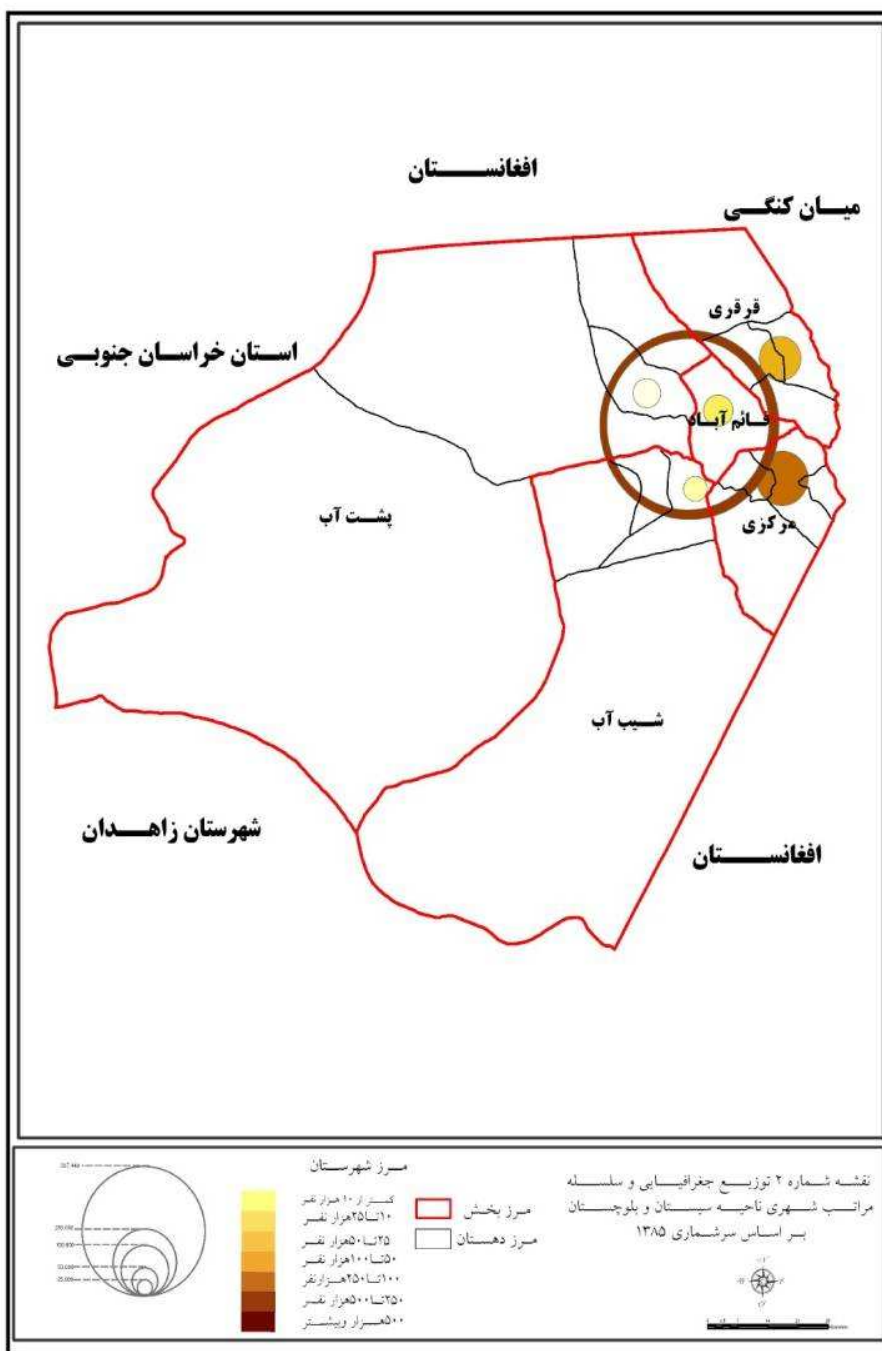
منبع: محاسبات نگارندگان.

میزان شاخص آنتروپی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ روند صعودی داشته و بیشترین مقدار عددی آن مربوط به سال ۱۳۸۵ است. یعنی سطوح مختلف نظام شهری حوزه مورد مطالعه از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ به سمت توزیع متعادل‌تری در حرکت بوده است.

میزان شاخص عدم تمرکز هندرسون نیز روند مشابهی با شاخص آنتروپی را نشان می‌دهد و نتایج این دو شاخص و روند آنها کاملاً با هم سازگار هستند: یعنی تمرکز در نظام شهری حوزه مورد مطالعه در هر دو سطح تا ۱۳۵۵ افزایش یافته و از سال ۱۳۵۵ به بعد کاهش تمرکز در نظام شهری کشور اتفاق افتاده است.

نتایج به دست آمده از به کارگیری شاخص‌های نخست شهری و شاخص‌های عدم تمرکز با هم هماهنگ بوده و همه این شاخص‌ها روند یکسانی را از نظر تحولات میزان نخست شهری در هر دو سطح از کشور نشان می‌دهند.





ترسیم نگارندگان

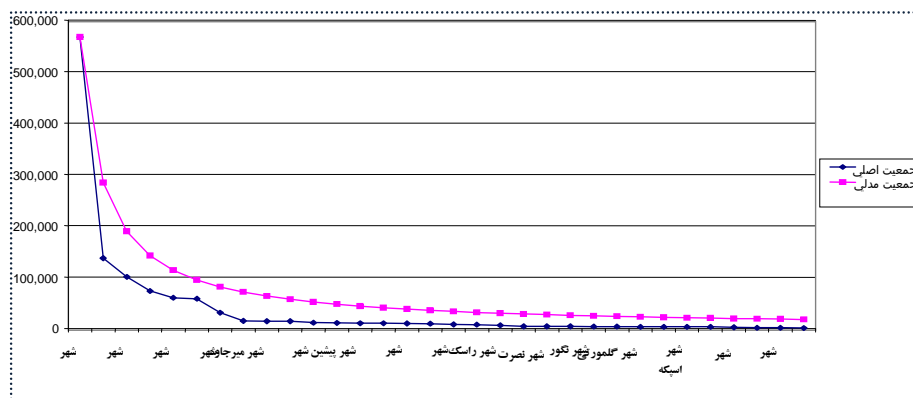
بدین ترتیب که تا ۱۳۵۵ میزان نخست شهری در حوزه مورد مطالعه در سال ۱۳۵۵ به اوج خود رسیده و سپس از سال ۱۳۵۵ به بعد روند نزولی داشته است.

### مقایسه توزیع رتبه اندازه

این الگو با انحراف معیار خیلی زیادی در کشور ما در استان دیده می‌شود و نظم از این جهت مشاهده نمی‌شود و فرمول: (i) در این استان صدق نمی‌کند. برای اثبات این مورد به سنجش‌های زیر می‌پردازیم.

با رسم نمودار و مقایسه این نتایج مشاهده می‌شود که بر اساس الگوی کارل زیلف در سلسله مراتب نظام شهری استانی و ناحیه‌ای ما همچنان بی‌نظمی مشاهده می‌شود.

نمودار ۱: جمعیت مدلی استان سیستان و بلوچستان



منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان.

۱. شهر زاهدان با جمعیت ۵۶۷۴۴۸ نفر «سال ۱۳۸۵» به عنوان شهر اول یا شاخص در نظر گرفته می‌شود و شهر زابل با جمعیت ۱۳۶۹۵۶ نفر و در همین سال کمتر از ۱/۴ شهر زاهدان جمعیت دارد.

۲. شهرهای دیگر استان با افزایش رتبه، فاصله نسبتاً بیشتری را با جمعیت مدلی خود دارند. مثلاً شهر کنارک حدود ۱/۳، شهرزهک ۱/۵، شهر بنجار ۱/۶ و آخرین شهر استان یعنی شهر سرپاز ۱/۱۵ جمعیت مدلی شان را دارد. (جدول شماره ۵)

جدول ۵: شاخص‌های عدم تمرکز استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۵

نام شهر	جمعیت اصلی	جمعیت مدلی	نام شهر	جمعیت اصلی	جمعیت مدلی	نام شهر	جمعیت اصلی	جمعیت مدلی
شهر زاهدان	567,449	567,449	شهر پیشین	10,529	43649.92	شهر گلمورتن	3,348	22697.96
شهر زابل	136,956	283724.5	شهر سوران	10,350	40532.07	شهر ادیعی	3,256	21824.96
شهر ایرانشهر	100,642	189149.7	شهر فنوج	10,041	37829.93	شهر اسپکه	3,248	21016.63
شهر چاه بهار	73,098	141862.3	شهر بمپور	9,323	35465.56	شهر نوک آباد	3,138	20266.04
شهر سراوان	59,610	113489.8	شهر زابلی	8,103	33379.35	شهر محمدآباد	2,384	19567.21
شهر خاش	57,811	94574.83	شهر دوست محمد	7,430	31524.94	شهر سیرکان	1,660	18914.97
شهر کنارک	30,716	81064.14	شهر راسک	6,200	29865.74	شهر هیدوج	1,265	18304.81
شهر نیک شهر	14,483	70931.13	شهر بنت	4,472	28372.45	شهر سرپاز	1,136	17732.78
شهر میرجاوه	14,162	63049.89	شهر نصرت آباد	4,231	27021.38			
شهر جالق	13,999	56744.9	شهر بزمان	4,163	25793.14			
شهر زهک	11,401	51586.27	شهر نگور	4,030	24671.7			
شهر قصرقند	10,848	47287.42	شهر بنجار	3,716	23643.71			

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان.

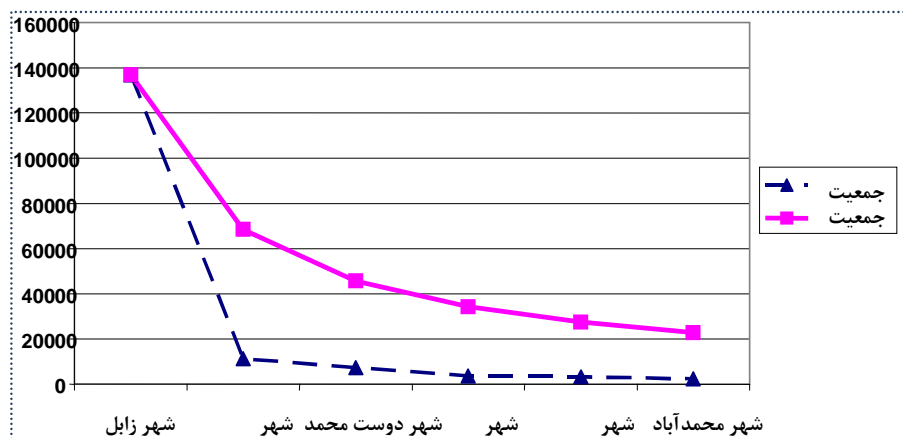
جدول ۶: شاخص‌های عدم تمرکز در استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۵

نام شهر	جمعیت اصلی	جمعیت مدلی
شهر زابل	۱۳۶۹۵۶	۱۳۶۹۵۶
شهر زهک	۱۱۴۰۱	۶۸۴۷۸
شهر دوست محمد	۷۴۳۰	۴۵۶۵۲
شهر بنجار	۳۷۱۶	۳۴۲۳۹
شهر ادیمی	۳۲۵۶	۲۷۳۹۱/۲
شهر محمدآباد	۲۳۴۸	۲۲۸۲۶

منبع: محاسبات نگارندگان.

۱. شهر زابل با جمعیت ۱۳۶۹۵۶ نفر (سال ۱۳۸۵) به عنوان شهر اول ناحیه سیستان یا شاخص در نظر گرفته می‌شود و شهر زهک با جمعیت ۱۱۴۰۱ نفر  $1/6$  جمعیت مدلی خود را دارد.

نمودار ۲: جمعیت مدلی ناحیه سیستان

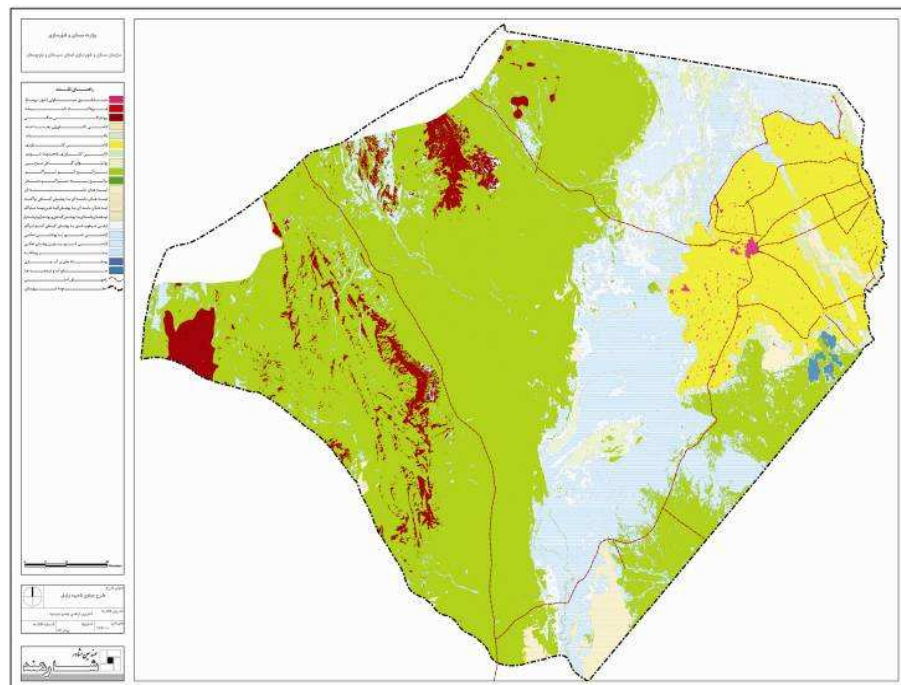


منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان.

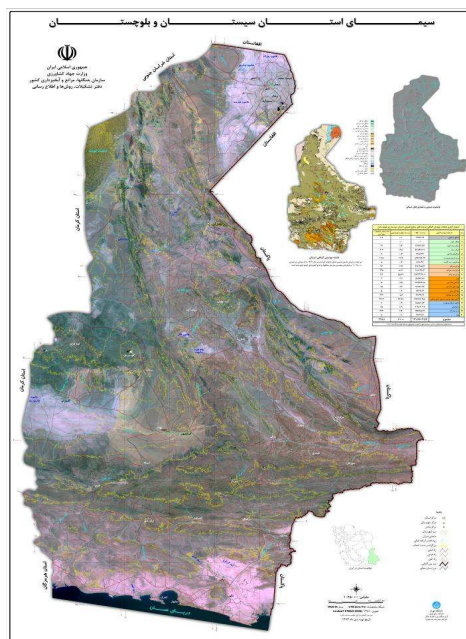
۲. دیگر شهرهای ناحیه نیز همچون سطوح بالاتر نظام شهری فاصله نسبتاً زیادی را با جمعیت مدلی‌شان دارند، به این ترتیب که شهر دوستمحمد ۱/۶، شهر بنجار ۱/۹، شهرادیمی ۱/۸ و شهرمحمدآباد ۱/۱۰ جمعیت مدلی‌شان را دارند. اما در بررسی علل و عوامل بروز این از هم‌گسیختگی نظام شهری در استان سیستان و بلوچستان و ناحیه سیستان می‌توان نکاتی را یادآور نمود:

پس از مشروطیت و با روی کارآمدن حکومت پهلوی بنیادهای اقتصادی این سرزمین با ورود سرمایه‌داران انگلیسی و هندی دچار تحول بنیادی شد، شهر زاهدان رشد کالبدی پیدا کرد. بندر چابهار رشد یافت و هسته‌های جدید سکونتی همچون ایرانشهر، سراوان و خاش بر سر راههای ارتباطی منطقه بوجود آمد (چاوشی، ۱۳۷۶، ۳۲).

نقشه ۳: کاربری اراضی ناحیه سیستان



منبع: مهندسین مشاور شازمند، ۱۳۸۲.



منبع: سازمان جنگلها و مراتع، ۱۳۸۴.

توجه رضاخان به مناطق دورافتاده ایران از جمله سیستان و بلوچستان در راستای سرکوب عشایر و قبایل بلوچ، سبب توسعه و رشد شتابان شهر زاهدان گردید و به قولی اسم زاهدان را این پادشاه انتخاب می‌کند و با اعمال سیاست یکجانشین کردن ایلات و عشایر، توجه به امر شهرنشینی و زندگی در فضای شهری را در فرهنگ بلوچ جایگزین می‌سازد. توجه دولت به منطقه، این مساله را تشدید می‌کند.

تاکید بر دوره رضا شاه برای تبیین حضور دولت با پیوند خوردن سیستان و بلوچستان به عنوان یک استان پیرامونی و مرزی به بدنه اصلی نظام دیوانسالاری و انتخاب زاهدان (دزدآب) به عنوان مرکز استان و عدم تعلق به قبایل خاص باعث گردید تا این شهر ضمن اینکه مرکزیت استان سیستان و بلوچستان، نقش محور اقتصادی جنوب شرق ایران را به عهده گیرد و در نتیجه با پدیده مهاجرت در سه بخش درون استانی، خارج استانی و برون مرزی روبرو گردد.

باتوجه به اینکه این شهر (زاهدان مرکز استان) به لحاظ کشاورزی هیچگونه پتانسیلی نداشته و ندارد، بخشهای خدمات و دولتی از مهمترین مقوله‌هایی بوده که توانسته است در اشتغال و جذب مهاجرین نقش مهمی داشته باشد. در حال حاضر سهم بخش کشاورزی، معدن و



صنعت در توزیع شاغلین بخشهای اقتصادی زاهدان مجموعاً ۹ درصد می‌باشد و مابقی را بخش خدمات به خود جذب کرده است (۹۰درصد). دولت خود بالاترین درصد جذب به لحاظ اشتغال در بخشهای کارمندی به خود اختصاص داده است. (میرداد، ۱۳۸۵، ۷)

ناحیه سیستان از نظر اقتصادی وابسته به منابع زیرزمینی نبوده، فعالیت‌های معدنی در آن چندان اهمیتی ندارد. آثار و اسناد ومدارک تاریخی نشانگر این واقعیت است که سیستان از تاریخ درخشان شهرنشینی برخوردار است. شهرنشینی در این سرزمین به دوران آغاز تاریخی یعنی ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. سیستان (شهرسوخته) مهمترین مرکز استقرار و در حقیقت مرکز اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تمام منطقه در طی هزاره‌های سوم و چهارم پیش از میلاد بوده است (کیانی: ۱۳۶۵ ۱۵۳).

با توجه به نقشه شماره ۴ علی‌رغم اینکه ناحیه سیستان برخلاف شرایط نامناسب طبیعی زاهدان (نقشه شماره ۳) در منطقه حاصلخیز کشاورزی واقع گردیده و می‌بایست به دلیل شرایط یکسان اقلیمی، توپوگرافی و... از نظام شهری متناسب و متوازی برخوردار باشد ولی در این ناحیه نیز دولت با مکانیزم‌هایی همچون افزایش نهادهای دولتی، توسعه فضاهای خدماتی - دولتی، پرداخت حقوق و دستمزدها به کارکنان دولتی، اجرای پروژه‌های عمرانی و تزریق اعتبار به شهرها، تمرکز و هدایت مدیریت به شهرها نقش اساسی را در شکل‌گیری نظام شهری ناهمگون ناحیه داشته است (نقشه شماره ۲).

## نتیجه‌گیری

بررسی تحولات نخست شهری در سطح استان و ناحیه از یک کشور برای اولین بار توسط این مقاله ارائه گردیده است. در این مقاله از سه روش شاخص‌های نخست شهری، شاخص عدم تمرکز و مقایسه توزیع رتبه اندازه در طول دهه‌های متفاوت استفاده شده است.

نتایج تحقیق بر وجود رشد انگلی نخست شهری در سطح استان و ناحیه دلالت می‌کند. با این تفاوت که هرچه از سطح ملی به سطوح پایین‌تر شهری می‌رویم فاصله و شکاف شهرها بیشتر و حرکت به سوی عدم تمرکز بیشتر می‌شود مثلاً در مقایسه‌ای که بین فاصله بین نخست شهر ملی، استانی و ناحیه‌ای انجام می‌شود این فاصله معنی‌دار رخنمون بیشتری دارد. در سرشماری سال ۱۳۸۵ تهران حدود ۳/۲ برابر دومین کلان شهر یعنی مشهد (۷۷۰۵۰۳۶ - ۲۴۱۰۸۰۰)؛ در استان سیستان و بلوچستان، زاهدان ۴/۲ برابر شهر دوم زابل (۵۶۷۴۴۹ - ۱۳۶۹۵۶)؛ در ناحیه زابل، شهرزابل حدود ۱۲ برابر شهر دوم ناحیه یعنی شهر زهک (۱۳۶۹۵۶ - ۱۱۴۰۱) بوده است.

توزیع نظام شهری در هر دو سطح کشور تا ۱۳۵۵ با روند تمرکز بیش از حد و یا نخست شهری بیشتر همراه بوده و از سال ۱۳۵۵ به بعد و تا ۱۳۸۵ به تدریج از تمرکز آن کاسته شده و به سمت توزیع متناسب‌تری در حال حرکت بوده است. هرچند هنوز با سطح تعادل فاصله زیادی دارد. نتایج به کارگیری هر سه روش این روند را تایید می‌کنند. عوامل متعددی بر ازم گسیختگی نظام شبکه شهری استان و ناحیه سیستان تاثیر داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. تمرکزگرایی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شهری و واگذاری اختیارات به نهادهای دولتی در شهرهای استان به نسبت بزرگی و اهمیت آنها در سلسله مراتب سیاسی اداری کشور.
۲. عوامل طبیعی که با بروز خشکسالی‌های پی‌درپی باعث تشدید حرکت جمعیت به نواحی مناسب و برخوردار شهری ناحیه و استان همراه بوده است.

۳. همسایگی با کشور مشکل‌دار و نیازمند افغانستان که از طرفی با مهاجرت نیروی کار ارزان باعث رشد و رونق ساختمان‌سازی در شهر شده و از طرف دیگر شهرهای استان و ناحیه را به بازارهای عمده فروشی مبدل ساختند.
۴. افت و نزول کشاورزی و درآمدهای ناشی از آن که بالطبع باعث حرکت به شهرها و متروک و کم جمعیت شدن روستاها شده است.
۵. نبود صنعت چشمگیر برای توسعه شهری - نبود خدمات برتر برای تقویت عملکرد شهری.

از آنجایی که سهم بخش کشاورزی، معدن و صنعت در حال حاضر در توزیع شاغلین بخش‌های اقتصادی زاهدان مجموعاً ۹ درصد می‌باشد و مابقی را بخش خدمات به خود جذب کرده است (بیش از ۹۰ درصد). دولت خود بالاترین درصد جذب به لحاظ اشتغال در بخش‌های کارمندی را به خود اختصاص داده است.

روشن و مبرهن است که از میان تمامی عوامل موثر در از هم گسیختگی نظام شهری حوزه مورد مطالعه، دولت با در دست داشتن بیش از ۹۰ درصد خدمات نقش قاطع و غیرقابل انکاری را بروز، ظهور و تقویت اندازه و مرتبه شهرهای حوزه مورد مطالعه داشته و دارد.

این مسئله بر این مهم تاکید دارد که همچنانی که دولت نقش مهم و اساسی رشد شهر و شهرنشینی و در نهایت زایش نخست شهری دارد می‌تواند با بکارگیری سیاست‌هایی از قبیل تمرکززدایی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بین شهری و واگذاری اختیارات به نهادهای منطقه‌ای و محلی از تمرکز بیش از حد در نخست شهرها جلوگیری نمایند، نظام شهری کارآمد و مطلوبی را پی‌ریز نماید.

اهم برنامه‌ها و سیاست‌هایی که می‌تواند در نظم دادن به نظام شهری استان و زابل و در نتیجه کل ایران مثمر ثمر باشد عبارتند از:

ایجاد قطب‌های توسعه برای جذب صنایع بزرگ به آنها؛ منع احداث صنایع بزرگ در شهر تهران و مراکز استانی.

ارایه معافیت‌های مالیاتی برای صنایع ای که در سایر استان‌های کشور (خاصه مناطق محروم) ایجاد شوند، معافیت‌های مالیاتی صنایعی که از شهر تهران به مناطق محروم سایر استان‌های کشور انتقال یابند.

- در نظر گرفتن اولویت‌هایی در امور آموزشی، رفاهی، اداری، بیمارستانی و امثالهم برای مراکز مهم منطقه‌ای در برنامه‌های عمرانی
- به کارگیری راهبردهای توسعه شهری و تقویت نقش و جایگاه شهرهای میانی و کوچک.
- انتخاب و تجهیز شهرهای میانی و کوچک کشور به طریقی که توسعه آنها باعث تمرکززدایی از تهران و مراکز استان‌ها شود.
- تعیین و انتخاب آگاهانه شهرهای اصلی، در شبکه‌ای منظم و به تعداد مناسب به طریقی که این شهرها برخی از وظایف تهران و مراکز استان‌ها را برعهده گیرند و باعث منطقه‌ای شدن مهاجرت‌های ملی شوند.
- تقویت منظومه‌های روستایی و اقتصاد کشاورزی

## منابع

۱. بهفروز، فاطمه (۱۳۷۱)؛ تحلیلی نظری - تجربی برای متعادل سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۲۸، ۲۳.
۲. توفیق، فیروز (۱۳۷۶)؛ شبکه شهرها و خدمات، جلد اول: مبانی نظری و ادبیات موجود، مرکز و مطالعات شهرسازی و معماری ایران.
۳. توفیق، فیروز (۱۳۷۵)؛ گزارش تلفیق طرح کالبدی ایران، جلد سوم، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۴. چاوشی، اسماعیل (۱۳۷۶)؛ بنیادهای تاریخی شهر و شهرنشینی در سیستان و بلوچستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۱.
۵. زبردست، اسفندیار (۱۳۷۱)؛ سیاست‌های غیرمتمرکز ساختن صنایع و تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران، آبادی، شماره ۴.
۶. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۵)؛ بررسی تحولات نخست شهری در ایران، مجله شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
۷. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳)؛ اندازه شهر، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۸. شکویی، حسین (۱۳۷۳)؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت.
۹. کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵)؛ شهرسوخته، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، انتشارات ارشاداسلامی.
۱۰. مرکز آمارایران.
۱۱. میرداد، محمد و عطاء ا...، اکبری (۱۳۸۵)؛ توانمندسازی چرا، سازمان مسکن و شهرسازی استان سیستان و بلوچستان.
۱۲. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵-۱۳۸۵.
۱۳. معصومی اشکوری، سیدحسن (۱۳۸۳)؛ توسعه صنعتی و تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران (سال‌های بعد از دهه ۱۳۴۰)، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.
14. Berry, B. J. L. and F. E. Horton (1971); *Geographic Perspectives on Urban Systems*, Englewood cliffs, NJ: Prentice-Hall.
15. Davis, J. and V. Henderson (2003); *Evidence on the Economy of the Urbanization Process*, Journal of Urban E economics, Vol. 53, No.1, pp.98-125.

16. Deicnmann, U. and V. Henderson (2002); Urban and Regional Dynamics in Poland, policy Research, Working Paper No. 2457, The World Bank
17. El-Shakhs, S. (1972); Development, Primacy and System of Cities, Journal of Developing Areas, Vol.7, pp. 11-36.
18. Gilbert, A. (end) (1989); development Planning and Spatial Structure, John Wiley
19. Henderson (2002b); Urbanization in developing Countries, the World Bank Research Observer, Vol.17, No.1, pp. 89-112.
20. Henderson (2002a), Urban Primacy, External costs, and Quality of Life, Resource and Energy Economics, Vol.24, 95-106
21. Jefferson (1939); the Law of the primate City, Geographical Review, Vol. 29, pp. 226-32
22. Mathur, O.P. (1997); Regional Development planning and Management in Asia: A Retrospective and perspective Review, in Regional Development planning and Management of Urbanization: Experiences from developing Countries, UNCHS, Vairobi, Kenya, pp.63-103.
23. Moomaw, R. M. and M. A. Alwosabi (2004); an empirical analysis of competing explanations of urban primacy evidence from Asia and the Americas, the Annals of regional Science, vol.38, pp.149-71
24. Morse, R.M. (1971); Urban Development of Latin America (1750-920), ed.paloAlto: Stanford University, Center for Latin American studies.
25. Multiuse (1989); Urban concentration and primacy revisted:Analysis and some policy conclusions, Economic Development and cultural change, vol.37, no.3, pp.611-39.
26. Sawers, L. (1989); Urban primacy in Tanzania, Economic Development and Cultural Change, vol.34, no.4, pp.841-859.
27. Pacione, Michael (2009); Urban Geography, published by Rutledge, Third Edition
28. Pratap, Rao (2001); Urban Planning Theory & practice, published by: Satish Kumar join for cobs, First Edition.
29. Short, John Ronnie (1996): the urban order, Black well, London.
30. Van Der Laan. L. (1998): changing urban systems, Regional students, vol. 32.